

Consequences of the 2020 Nagorno-Karabakh Crisis Agreement on Security and National Interests of the Islamic Republic of Iran

Rahman Najafi Sayyar

Corresponding Author, Assistant Professor of International Relations, Supreme National Defense University, Tehran, Iran. political19@gmail.com

Hamed Ebrahimi

PhD in Geopolitics, Islamic Azad University, Tehran, Iran. ha4140009@yahoo.com

Abstract

The Nagorno-Karabakh ceasefire agreement, signed on November 10, 2020, after 44 days of conflict between the two countries, has had far-reaching implications for Iran's security and interests. With regard to this issue, the present article has been written specifically with the aim of explaining the effects and consequences of the Qarabagh 2020 ceasefire agreement for Iran's security and interests. In this regard, the main question of the article is what are the effects and consequences of the Nagorno-Karabakh 2020 ceasefire agreement for the security and national interests of the Islamic Republic of Iran? The findings of the article show that the recent ceasefire agreement in various dimensions has a positive and negative impact on the interests and national security of the Islamic Republic of Iran, the most important of which include; Russia's role in the northwestern borders of Iran, the possibility of geographical distance from the borders of Iran, the Zionist regime's large-scale weapons assistance in liberating the occupied territories of Azerbaijan and, as a result, the regime's greater role in Iran's northwestern borders, Iran's access to border lands. The reconnection of the relatively long border with Azerbaijan has been the expansion of capacity to expand Iran's railway network to the Caucasus and Russia, and the presence of Iranian private companies in the reconstruction of the critical regions of the Caucasus.

Keywords: *Qarabagh, crisis, security, national interests, Iran*

آثار و پیامدهای توافق نامه آتش بس بحران ۲۰۲۰ قره‌باغ بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران^۱

رحمان نجفی سیار

نویسنده مسئول، استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران
rnajafi1385@gmail.com

حامد ابراهیمی

دانش‌آموخته دکترای ژئوپلیتیک، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران
مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران ha4140009@yahoo.com

چکیده

درگیری‌های بین آذربایجان و ارمنستان در سپتامبر ۲۰۲۰، پس از ۴۴ روز تداوم بحران و منازعه، با میانجیگری روسیه، به توافق نامه آتش بس ختم شد. این مقاله به تأثیر توافق یادشده بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است؛ با این پرسش اصلی که «توافق نامه آتش بس ۲۰۲۰ حاوی چه آثار و پیامدهایی برای امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی است و ایران برای مواجهه با آن چه راهبردهایی را پیش رو دارد؟» بر اساس یافته‌های مقاله، برهم خوردن موازنه قدرت در قفقاز جنوبی و توافق نامه آتش بس ناشی از آن در ابعاد مختلف به شکل ایجابی و سلبی بر منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: نقش آفرینی بیشتر روسیه در مرزهای شمال غربی ایران، احتمال دور شدن جغرافیای درگیری از مرزهای ایران، کمک‌های تسلیحاتی کلان و مؤثر رژیم صهیونیستی در آزاد شدن مناطق اشغالی آذربایجان و در نتیجه نقش آفرینی بیشتر این رژیم در مرزهای شمال غربی ایران، دستیابی ایران به اراضی هم‌مرز و ارتباط مجدد مرز نسبتاً طولانی با آذربایجان و نظایر این‌ها. مهم‌ترین راهبردهای پیش روی جمهوری اسلامی در مواجهه با بحران مذکور نیز شامل اتخاذ مواضع بی‌طرفانه و در عین حال ایفای نقش میانجیگری فعال برای حفظ و القای جایگاه راهبردی جمهوری اسلامی به طرف‌های درگیر و بازیگران منطقه، حضور فعال در مناطق جدید حاصل از توافق آتش بس، افزایش مسیرهای مواصلاتی و ترانزیتی با

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز/CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

آثار و پیامدهای توافق‌نامه آتش‌بس بحران ۲۰۲۰ قره‌باغ بر امنیت و... ۵۰۱

جمهوری آذربایجان، به‌ویژه در مناطق تازه آزادشده، تقویت، تجهیز و توسعه سریع کمی- کیفی ساختار مرزبانی و استفاده از تجربه‌های جنگ قره‌باغ در زمینه بهره‌گیری از سلاح‌های مدرن و هوشمند بوده است.

واژه‌های کلیدی: قره‌باغ، آتش‌بس، بازیگران بحران، تبعات امنیتی، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۰۵/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۳

فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۳، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰، صص ۴۹۹-۵۳۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

منطقه قفقاز واقع در شمال غربی جمهوری اسلامی ایران، در گذشته در حوزه تمدنی آن قرار داشت و به‌عنوان جزئی از قلمرو آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به دست دولت مرکزی ایران اداره می‌شد. این منطقه به‌منزله پلی طبیعی میان اروپا و آسیا است که وجود خاورمیانه در جنوب و هم‌جواری با کشورهای اروپای غربی و روسیه از غرب و شمال بر اهمیت آن افزوده است. قفقاز به‌مثابه چهارراه شمال و جنوب و شرق و غرب، نه‌تنها اوراسیا را از شرق به غرب پیوند می‌دهد، بلکه به‌عنوان کانالی قاره آسیا را از شمال به جنوب نیز مرتبط می‌کند؛ به عبارت دیگر، تمدن غربی و شرقی در اینجا به یکدیگر رسیده‌اند و ادیان و فرهنگ‌های مختلف مثل اسلام و اسلاو باهم تلاقی می‌کنند. به‌واسطه همین موقعیت خاص جغرافیایی، زمینه اثرگذاری بر دیگر مناطق بیرونی و پیرامونی بسیار مهیا است (علیزاده، ۱۳۸۰، ص. ۱۷۷). با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و استقلال جمهوری‌های به‌جای مانده از آن، امپراتوری در آسیای مرکزی و قفقاز، چهره ژئوپلیتیکی قفقاز تغییر یافت و به‌عنوان یکی از بی‌ثبات‌ترین مناطق باقی‌مانده از امپراتوری شوروی با خلأ قدرت مواجه گشت. (Markedonov, 2009)

منطقه مورد مناقشه در قفقاز یعنی «ناگورنو» قره‌باغ، منطقه خودمختار ارمنی‌نشین در غرب جمهوری آذربایجان و در نزدیکی مرزهای ارمنستان است که با فروپاشی شوروی، ارمنه ساکن قره‌باغ با حمایت ارمنستان، استقلال خود را از باکو اعلام کردند. اقدامات جدایی‌طلبانه در قره‌باغ کوهستانی موجب درگیری نظامی طی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۴ میان نیروهای ارمنی و جمهوری آذربایجان و

در نتیجه اشغال هفت شهر آذری توسط ارمنستان شد (تویسرکانی، ۱۳۸۹، ص. ۲) و زمینه را برای شکل‌گیری بحرانی ژئوپلیتیکی فراهم کرد.

با این حال، در نتیجه ارتقای وزن راهبردی منطقه قفقاز در نظریات ژئوپلیتیکی مطرح (از جمله هارتلند جدید جفری کمپ که در قلب بیضی استراتژیک انرژی جای گرفته است) و همچنین در پارادایم جدید قدرت‌های جهانی، زمینه‌های لازم برای حضور و نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای و بازیگران منطقه‌ای در میدان بازی این منطقه حساس و تقویت مناقشات آن فراهم شد و زمینه‌های باز فراوری یکی از قدیمی‌ترین بحران‌های غرب آسیا، یعنی بحران قره‌باغ را بین آذربایجان و ارمنستان ایجاد کرد (ولیکلی‌زاده، ۱۳۹۵، صص. ۸۵-۱۲۰) در ۲۸ سال گذشته گهگاه بین این دو کشور درگیری‌های چندروزه و کوتاه‌مدت درمی‌گرفت و پس از اندک زمانی با میانجیگری برخی کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، بدون هیچ دستاوردی به پایان می‌رسید. شدیدترین و خونین‌ترین درگیری‌ها از ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ (ششم مهر ۱۳۹۹) آغاز و ۴۴ روز ادامه داشت. با تشدید درگیری‌ها و فراوانی تلفات و خسارات، دو کشور آذربایجان و ارمنستان تصمیم گرفتند با توافق سه‌جانبه (آذربایجان، روسیه و ارمنستان) جنگ را متوقف و در دهم نوامبر آتش‌بس اعلام و تحول ژئوپلیتیکی نوینی را در این منطقه پرآشوب بنیان‌گذاری کنند.

با این حال، بحران جدید قره‌باغ و به تبع آن ایجاد وضعیت ناپایدار امنیتی در حاشیه مرزهای شمال غربی ایران، همراه با عدم شکل‌گیری یک رژیم امنیتی مشترک در منطقه قفقاز و دخالت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، منجر به وضعیتی آنارشیک در این منطقه شده است که با توجه به مفاد توافق‌نامه آتش‌بس تحمیلی به ارمنستان، پیامدهای امنیتی و سیاسی آن می‌تواند کل منطقه و به‌ویژه ایران را تحت تأثیر قرار دهد.

بنابراین، تحلیل و بررسی بحران قره‌باغ و به‌خصوص ابعاد مفاد توافق‌نامه آتش‌بس مذکور برای امنیت و منافع ملی ایران حائز اهمیت است. با توجه به اهمیت و ضرورت بررسی این موضوع این پرسش مهم مطرح می‌شود که آثار و

پیامدهای توافق‌نامه آتش‌بس ۲۰۲۰ قره‌باغ بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران چیست و چه راهبردهایی را می‌توان برای آن در نظر گرفت؟ برای پاسخگویی به این پرسش موضوعاتی همچون نقش عنصر ژئوپلیتیک در ایجاد منازعه سرزمینی قفقاز، ابعاد و زوایای تاریخی بحران، بازخوانی نیات و سیاست‌های بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بحران مذکور و تحلیل ابعاد توافق‌نامه آتش‌بس ناشی از آن ضروری است که این پژوهش به آن‌ها خواهد پرداخت.

۱. مبانی نظری؛ ژئوپلیتیک و منازعه سرزمینی

ژئوپلیتیک رویکردی است بر سیاست بین‌الملل که در تلاش است رفتارهای سیاسی بازیگران را بر اساس محیط طبیعی تبیین نماید. بر این اساس، رویکرد ژئوپلیتیک بیانگر تأثیر جغرافیا بر امور سیاسی است (Plano & Alto, 1988, p88)؛ به عبارتی دیگر، ژئوپلیتیک را می‌توان مطالعه اثرگذاری عوامل جغرافیایی یعنی ویژگی‌های طبیعی و انسانی نظیر موقعیت جغرافیایی، نحوه توزیع منابع طبیعی و انسانی بر روابط بین‌الملل در تصمیم‌گیری‌های سیاسی صاحبان قدرت دانست. موقعیت سرزمینی و منابع طبیعی (عوامل ژئواکونومیک) از عوامل طبیعی ژئوپلیتیک به شمار می‌روند. موضوعات و مفاهیم مورد مطالعه ژئوپلیتیک نیز طیف وسیعی نظیر ژئوپلیتیک به‌عنوان دانش کسب قدرت، ژئوپلیتیک به‌عنوان دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ، ژئوپلیتیک به‌عنوان دانش مناطق بحرانی و ژئوپلیتیک به‌عنوان دانش روابط قدرت را شامل می‌شوند. ژئوپلیتیک هر منطقه نقش عمده‌ای در برقراری روابط مسالمت‌آمیز یا ایجاد منازعه یا رقابت میان کشورهای آن منطقه دارد. به بیانی دیگر، در ذات و ساختار جغرافیای سیاسی ویژگی‌ها و واقعیت‌های عینی نهفته است که به‌صورت بنیادین منطق رقابت و منازعه را بین کشورها ترویج می‌دهد. اندیشمندان ژئوپلیتیک در مطالعه ریشه‌های منازعه هرکدام به جنبه‌ای از عوامل ژئوپلیتیک اشاره می‌کنند: برخی به عوامل ژئواکونومیک و منبع سرزمینی مناقشات و برخی دیگر به عوامل هویتی و فرهنگی یعنی ویژگی‌های جمعیتی تأکید دارند (شیرخانی و شریفی،

۱۳۹۶، ص. ۱۱۹).

در میان اندیشمندان این حوزه، «پیتر هگت»^۱ به منبع سرزمینی منازعه تأکید داشته و به ۱۲ عامل سرزمینی تنش‌زا در میان کشورها اشاره کرده است. طبق نظریه هگت امتداد و گسترش سرزمینی یک گروه قومی و زبانی به خاک کشور همسایه، ادعای ارضی یک کشور نسبت به کشور همسایه و جنبش جدایی‌طلبی قومی در فضای داخلی یک کشور از جمله عوامل تنش‌زای ژئوپلیتیک هستند (قربانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۲۷۸).

بنابراین یکی از زمینه‌های منازعه، تعلقات ژئوپلیتیک بازیگران است. تعلقات ژئوپلیتیک تشکیل‌دهنده زیربنای منافع و علایق ملی کشورها در ورای مرزهای ملی و ناظر بر مواردی هستند که با تمام یا بخشی از خصیصه‌های طبیعی یا انسانی کشور تجانس و همگونی دارند. علائق ژئوپلیتیک نیازهای کشور را در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، ارتباطی، نظامی و امنیتی و غیره تأمین می‌کنند و باعث تقویت وزن ژئوپلیتیک کشورها می‌شوند (حافظ‌نیا و رومینا، ۱۳۹۶، ص ۹) بیشترین علائق ژئوپلیتیک یک کشور در مجاورت مرزهای ملی و در کشورهای هم‌جوار آن است و با دور شدن از مرزهای ملی کشورها میزان این علائق نیز کاهش می‌یابد.

علائق ژئوپلیتیک علاوه بر منازعه می‌توانند زمینه‌ساز رقابت کشورها و قدرت‌های بزرگ با یکدیگر شوند. در مباحث ژئوپلیتیک نقطه کانونی رقابت بر سر فضای جغرافیایی و امتیازات موجود در آن است تا از پس آن امکان تحصیل قدرت برای حکومتها و سازه‌های ژئوپلیتیک فراهم آید. در چارچوب رقابت‌های ژئوپلیتیک بازیگران نظام بین‌الملل، قلمروهای ژئوپلیتیک در واقع حوزه نفوذ بازیگران به شمار می‌روند. بازیگران از طریق به پیش راندن مرزهای ژئوپلیتیک خود در تلاش هستند قلمرو ژئوپلیتیک یا دامنه نفوذ خود را گسترش دهند و در مقابل حوزه نفوذ رقیبان را محدود کنند. در اصل قدرت و رقابت بازیگران موجب بسط یا تحدید قلمروهای ژئوپلیتیک آن‌ها می‌شود (حافظ‌نیا،

¹.Peter Hggett

۱۳۸۵، ص ۱۱۶). فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیک به دلیل ماهیت جغرافیایی و دوام و پایداری بیشتر برای منافع و امنیت ملی کشورها اهمیت زیادی دارند. در این راستا، چالش ژئوپلیتیک عبارت از ایجاد وضعیتی نامساعد برای کشورها بر اساس عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیک و متأثر نمودن سیاست کشورها است. مقاله حاضر بحران قره‌باغ را بر اساس متغیرهای ژئوپلیتیکی از جمله متغیرهای پترو هگت بررسی می‌کند و به تبیین پیامدها و چالش‌های این بحران، به‌ویژه توافق‌نامه آتش‌بس تحمیلی، بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

۲. زمینه‌های تاریخی تصاعد بحران قره‌باغ

با سقوط امپراتوری روسیه و زمامداری بلشویک‌ها، مسائل قره‌باغ ابعاد جدی‌تری به خود گرفت و مناطق ارمنستان و آذربایجان استقلال خود را اعلام کردند؛ ولی اختلافاتی بر سر سه منطقه حائل دو کشور نوظهور، «سیونیک»، «نخجوان» و «قره‌باغ» وجود داشت. با بالا گرفتن کشمکش، ارمنستان تلاش ناموفقی را برای تصاحب این مناطق انجام داد؛ اما پس از ورود ارتش بریتانیا به قفقاز جنوبی در پی پیروزی در جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۹، این مناطق به آذربایجان واگذار شد. پس از تشکیل اتحاد جماهیر شوروی، با ورود لشکر ۱۱ شوروی به منطقه قفقاز و شکل‌گیری جمهوری سوسیالیست اتحاد قفقاز که کشورهای ارمنستان و آذربایجان کنونی را نیز شامل می‌شد، قره‌باغ به جمهوری سوسیالیستی ارمنستان شوروی واگذار شد؛ اما مخالفان کمونیست آذری با سرکردگی «نریمان نریمانف» توانستند چند سال بعد و در سال ۱۹۲۱ با استفاده از سردی روابط ارمنی‌ها با شوروی، این منطقه را مجدداً به آذربایجان ملحق کنند (منیری، ۱۳۹۶، صص. ۳-۵)

پس از آن، بر اساس سیاست‌های اجرا شده در دوره استالین، منطقه قره‌باغ به چند بخش تقسیم شد: بخش‌هایی از آن به جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی پیوست؛ بخش «زنگزور» به جمهوری سوسیالیستی ارمنستان شوروی واگذار شد و به بخش «قره‌باغ کوهستانی» یا «ناگورنو قره‌باغ» به سبب اکثریت جمعیت ارمنی آن، برخلاف روند تاریخی و علی‌رغم میل آذربایجان، وضعیت

خودمختاری اعطا شد تا ساکنان این منطقه در کنار زبان رسمی آذری، از زبان ارمنی در تدریس، محاکم و امور اداری، استفاده کنند. سپس این منطقه با عنوان «منطقه خودمختار قره‌باغ کوهستانی» زیر نظر جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی قرار گرفت و حکومت شوروی به اسکان ارمنه در قره‌باغ ادامه داد تا جایی که در سال ۱۹۷۹، حدود ۷۶ درصد جمعیت قره‌باغ را ارمنه و ۲۳ درصد را آذری‌ها تشکیل می‌دادند. از طرفی، ارمنستان همواره نارضایتی خود را از الحاق قره‌باغ به آذربایجان اعلام و در دهه‌های بعد همچنان تلاش می‌کرد از طرق غیرنظامی این منطقه را از آذربایجان باز پس گیرد که موفق به این کار نشد. (Tastekin, 2020)

با ضعف مفرط شوروی در سال‌های پایانی قرن بیستم و سرانجام، فروپاشی آن، خلأ قدرتی در این منطقه به وجود آمد که به بروز مجدد اختلافات و جنگ قره‌باغ بین آذربایجان و اکثریت ارمنی ساکن قره‌باغ با پشتیبانی ارمنستان در سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۴ منجر شد. با بالا گرفتن درگیری، هرکدام از طرفین سعی در پاک‌سازی قومی مناطق تحت تصرف خود از نژاد دیگر کردند و در نتیجه بیش از ۳۵ هزار نفر در این جنگ کشته و بیش از ۸۰۰ هزار نفر در نواحی مورد مناقشه، آواره و مجبور به جلائی وطن شدند (عباس‌اف و چاخاتریان، ۱۳۸۳، ص ۵۲). سرانجام با شکست آذربایجان از ارمنستان، ارمنه این استان را تصرف و هفت استان پیرامون آن را از قلمرو حاکمیتی جمهوری آذربایجان جدا کردند (حدود ۲۰ درصد از اراضی جمهوری آذربایجان) و جمهوری قره‌باغ کوهستانی یا جمهوری «آرتساخ» به مرکزیت شهر «استپاناکرت» در آن تأسیس شد که مساحت آن ۱۱۵۰۰ کیلومتر مربع اعلام شد (منیری، ۱۳۹۶، ص ۱۸).

۳. ابعاد بین‌المللی بحران قره‌باغ

بحران قره‌باغ از منظر بین‌المللی به دلیل حضور، نفوذ و دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بسیار حائز اهمیت است. کشورهای منطقه‌ای چون ترکیه، روسیه و آمریکا، ناتو و رژیم صهیونیستی دربارهٔ بحران قره‌باغ خواهان حضور، نفوذ و اعمال نظر در مسائل مختلف قفقاز هستند. درگیری‌های قره‌باغ از سال

۱۹۹۳ به بحرانی بین‌المللی تبدیل و در شورای امنیت و سازمان‌های بین‌المللی بارها مطرح شده است. از هنگام اشغال قره‌باغ به دست نیروهای ارمنستان تاکنون، چهار قطعنامه (۸۲۲، ۸۵۳، ۸۷۴ و ۸۸۴) از سوی شورای امنیت سازمان ملل در این ارتباط منعقد شده است که آخرین آن‌ها در ۱۹۹۳ قره‌باغ را جزئی از خاک آذربایجان می‌داند. هر ۱۵ عضو دائم و دوره‌ای این شورا، در اجماعی کامل به حقانیت جمهوری آذربایجان بر سر مناقشه قره‌باغ رأی داده و بر لزوم برگرداندن قره‌باغ به باکو تأکید کرده‌اند. از بین ۱۹۳ عضو ملل متحد، غیر از ارمنستان هیچ کشوری تعلق قره‌باغ به ارمنه را به رسمیت نشناخته است، با این حال مواضع کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در این باره متفاوت است (خالقی نژاد و کاکاوندی، ۱۳۹۹/۸/۱۱).

پس از این واقعه، برای برقراری صلح دائمی و فراگیر در منطقه کوشش‌های متعددی انجام و طرح‌های صلح مختلفی ارائه شده است. در سال ۱۹۹۴ به کمک گروه «مینسک» (آمریکا، روسیه و فرانسه) توافق‌نامه آتش‌بس میان آذربایجان و ارمنستان به امضا رسید (منیری، ۱۳۹۶، ص. ۱۵)؛ ولی هیچ‌یک نتیجه عینی و مورد انتظار را نداشت و وضعیت حاکم بر منطقه همچنان به صورت «نه جنگ و نه صلح» ادامه یافت. پس از اعلام آتش‌بس در ۲۴ دسامبر ۱۹۹۴، شورای عالی قره‌باغ «روبرت کوچاریان» را به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور قره‌باغ انتخاب کرد و در ۳۰ آوریل ۱۹۹۵ دومین دوره انتخابات پارلمانی در قره‌باغ برگزار شد. نخستین دوره انتخابات پارلمانی در ۲۸ دسامبر ۱۹۹۱ صورت گرفته بود (عباس‌اف و چاخاتریان، ۱۳۸۳، ص. ۵۳). در طول سال‌های پس از جنگ اول قره‌باغ، درگیری‌های پراکنده‌ای نیز از سوی دو طرف همواره ادامه داشته است و در آخرین رویارویی نظامی بین دو کشور در سال ۲۰۱۶ (قبل از جنگ ۲۰۲۰) بیش از ۱۲۰ نفر کشته شدند (منیری، ۱۳۹۶، ص. ۱۷) نقشه شماره ۱ آخرین وضعیت قره‌باغ را قبل از درگیری ۲۰۲۰ نشان می‌دهد.



نقشه ۱: آخرین وضعیت قره‌باغ قبل از درگیری ۲۰۲۰؛ منبع: (<https://www.polgeonow.com>)

۴. جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ و تحولات آن

در طول سی سال گذشته، به‌رغم دیدگاه جامعه جهانی، حقوق بین‌المللی و اقدامات میانجیگرانه، ارمنستان همچنان بر تداوم اشغالگری قره‌باغ اصرار ورزید و حتی پس از صدور چهار قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد مبنی بر خروج نیروهای ارمنی از خاک آذربایجان، این کار را انجام نداد. از طرفی، ناتوانی نظامی و ناامیدی آذربایجان در بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی خود از ارمنستان از کانال مذاکرات و میانجیگری، این منطقه را به‌سوی رویارویی نظامی دیگری سوق داد. از طرف دیگر، جمهوری آذربایجان با چرخش در سیاست خارجی خود و برقراری روابط راهبردی با غرب، ترکیه و رژیم صهیونیستی و با توسل به افزایش شدید درآمدهای نفتی و شکوفایی اقتصادی خود در سال‌های اخیر، ضمن مدنظر قرار دادن ضعف‌های تاکتیکی و تسلیحاتی گذشته، با خریدهای گسترده نظامی و تجهیز به فناوری‌ها و ادوات پیشرفته نظامی به‌ویژه در حوزه‌های پهپادی و... با کمک و حمایت‌های تسلیحاتی، اطلاعاتی و مستشاری ترکیه و رژیم صهیونیستی، آمادگی لازم را برای رویارویی جدی با ارمنستان کسب کرد و توانست به‌طور جدی در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ وارد نبرد با ارمنستان شود (Avdaliani, 2021). این جنگ ۴۴ روز طول کشید که در نتیجه آن آذربایجان توانست ضمن عقب راندن و شکست میدانی ارمنستان در تمامی جبهه‌ها، بخش‌های اصلی نواحی اشغالی تحت

کنترل این کشور را آزاد کند.

گفتنی است، جنگ‌های آذربایجان و ارمنستان به‌غیر از دوران ابتدایی آن از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۴ (شش سال)، همواره سه تا پنج روزه و بیشتر تنش‌ها مرزی بود. از آن پس برای حل مسالمت‌آمیز مناقشه قره‌باغ در ۲۸ سال گذشته، مذاکرات و میانجیگری‌های متعددی را سازمان ملل و کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای انجام می‌دادند که نتیجه رضایت‌بخشی برای طرفین درگیر نداشت؛ اما در درگیری‌های اخیر میان دو کشور از ۲۷ سپتامبر که ۴۴ روز ادامه داشت، پس از وارد شدن تلفات و خسارات گسترده، با توافق سه‌جانبه رؤسای جمهوری آذربایجان، روسیه و نخست‌وزیر ارمنستان در ۱۰ نوامبر آتش‌بس برقرار شد. در نتیجه این جنگ، آذربایجان توانست ۷۰ درصد مناطق اشغالی را پس بگیرد و ۳۰ درصد مناطق دیگر را بر اساس مفاد توافق در اختیار خود بگیرد. نقشه شماره ۲ آخرین وضعیت قره‌باغ و نواحی اشغالی، بعد از حمله آذربایجان (۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰) را نشان می‌دهد.



نقشه ۲: آخرین وضعیت مناطق تحت کنترل دو کشور بعد از درگیری قره‌باغ؛

منبع: <https://www.polgeonow.com>

۱-۴. توافق نامه آتش‌بس ۲۰۲۰ قره‌باغ

توافق‌نامه آتش‌بس سه‌جانبه قره‌باغ در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰، بین رئیس‌جمهور آذربایجان، «الهام علی‌اف»، نخست‌وزیر جمهوری ارمنستان، «نیکولای پاشینیان» و

رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه، «ولادیمیر پوتین» منعقد گشت. بر اساس این توافق، ارمنستان متعهد شد در تاریخ ۱۵ نوامبر (۲۵ آبان) شهرستان «کلبجر»، در ۲۰ نوامبر (۳۰ آبان) شهرستان «آقدام» و یکم دسامبر (۱۱ آذر) شهرستان «لاچین» را به جمهوری آذربایجان پس دهد. با توافق طرفین، در سه سال آینده برنامه ساخت مسیر جدید در امتداد لاچین اجرا می‌شود که موجب ارتباط قره‌باغ و ارمنستان می‌گردد و نیروهای حافظ صلح روسیه برای محافظت از این مسیر مستقر خواهند شد.

در خط مقدم جبهه، در منطقه قره‌باغ کوهستانی و در امتداد جاده لاچین در قره‌باغ، نیروهای حافظ صلح روسیه به تعداد ۱۹۶۰ نظامی، ۹۰ ماشین زره‌پوش و ۳۸۰ خودروی نظامی مستقر می‌شوند. دالان لاچین پنج کیلومتر است که دسترسی قره‌باغ به ارمنستان را فراهم می‌کند. نیروهای حافظ صلح روسیه فقط در امتداد دالان لاچین مستقر می‌شوند و با توجه به این‌که شهرستان لاچین به جمهوری آذربایجان پس داده می‌شود؛ نیروهای این کشور نیز امکان نظارت بر این دالان را خواهند داشت، ضمن اینکه درباره تأمین امنیت آن تضمین داده‌اند.

نیروهای حافظ صلح روسیه، هم‌زمان با خروج نیروهای ارمنی از قره‌باغ، در این منطقه مستقر خواهند شد و مدت اقامت آن‌ها در منطقه پنج سال خواهد بود. ستاد فرماندهی نیروهای حافظ صلح در شهر «خانکندی» مستقر می‌شود. آوارگان جنگی تحت کنترل کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور آوارگان به منطقه قره‌باغ کوهستانی و شهرستان‌های هم‌جوار آن برمی‌گردند و هرگونه فعالیت‌های اقتصادی و حمل‌ونقل در منطقه قره‌باغ بلامانع است.

جمهوری ارمنستان، باید ایمنی ارتباطات حمل‌ونقل مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان را فراهم کند. این کار برای سازمان‌دهی حرکت بدون مانع شهروندان، وسایل نقلیه و باری و کنترل حمل‌ونقل توسط ارگان سرویس امنیتی فدرال روسیه انجام خواهد شد. با توافق طرفین، زیرساخت‌های جدیدی که جمهوری خودمختار نخجوان را با مناطق آذربایجان پیوند دهد، ساخته خواهد شد و مرکزی برای کنترل و نظارت بر آتش‌بس در

قره‌باغ تأسیس خواهد شد (<https://www.crisisgroup.org>).

۵. رویکردها و اقدامات بازیگران خارجی در قبال توافق‌نامه آتش‌بس

بررسی دقیق زوایای بحران ۲۰۲۰ قره‌باغ و مواضع کشورها در این بحران مشخص می‌کند که بازیگران اصلی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شامل روسیه، ایالات متحده، اتحادیه اروپا، جمهوری اسلامی، ترکیه و رژیم صهیونیستی، دارای منافع راهبردی و نقشی اثرگذار در بحران هستند. برای تبیین نقش این بازیگران و چگونگی اثرگذاری بر منافع و امنیت ملی ایران از مسیر بحران اخیر قره‌باغ، ابعاد رفتاری، مواضع و اقدامات آنان در قبال بحران به شرح زیر تجزیه و تحلیل می‌شود:

۵-۱. روسیه

در واکاوی نقش رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تداوم بحران قره‌باغ، فدراسیون روسیه یکی از بازیگران اصلی و تأثیرگذار است. این کشور قبل از هر چیز به دلیل احساس تعلق به منطقه، به دنبال بازگرداندن نفوذ دیرینه خود در قفقاز جنوبی است؛ به گونه‌ای که با داشتن دست برتر در بحران قره‌باغ، تلاش می‌کند سایر بازیگران را در این صحنه به حاشیه براند (کولایی، ۱۳۸۵، ص. ۲۸۹). روسیه و ارمنستان عضو «سازمان پیمان امنیت جمعی» هستند. این کشور دو پایگاه نظامی در ارمنستان دارد و دو کشور از این لحاظ دارای روابط نزدیکی بوده‌اند. دولت پوتین به قدری تاکنون در اوکراین و سوریه هزینه نظامی و سیاسی پرداخته است که تمایلی به درگیری ژئوپلیتیکی دیگر ندارد و بیشتر مایل است از موضعی بالاتر، به حل مسئله پردازد؛ به‌ویژه اینکه در سال ۱۹۹۴ نیز روسیه میانجیگری آتش‌بس میان آذربایجان و ارمنستان را بر عهده داشت. همچنین با اینکه در جنگ‌های گذشته روسیه جانب ارمنستان را گرفته بود، در جنگ اخیر به علت نزدیکی ارمنستان به غرب، تمایل چندانی به جانب‌داری از ارمنستان نداشته و در واقع آذربایجان با چراغ سبز روسیه به ارمنستان تعرض کرده است.

به این ترتیب، روسیه با تدابیر و سیاست‌های خود توانست ابتکار عمل لازم را در مناقشه قره‌باغ به دست گیرد و از ایفای نقش فعال و محوری همسایگان

قدرتمند قفقاز (ترکیه و ایران) و سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا، اتحادیه اروپا و چین جلوگیری کند. با توجه به سیاست‌های غربگرای دولت آذربایجان و کم‌رنگ شدن تعاملاتش با روسیه، دولت پوتین با چراغ سبز به این کشور برای حمله به ارمنستان و بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی خود و دخالت در روند تصویب توافق‌نامه و تعیین یکسری امتیازات به نفع آذربایجان در توافق‌نامه مذکور، به دنبال جلب رضایت دولت علی‌اف و توسعه تعامل و افزایش روابط با این کشور برآمده است. همچنین، سکوت معنادار و مواضع ابهام‌آمیز روسیه در قبال وضعیت حقوقی منطقه قره‌باغ در توافق‌نامه آتش‌بس، دست روسیه را در آینده برای ایجاد یک کشور مستقل یا تحت‌الحمایه روسیه یا پیوند آن به یکی از دو کشور آذربایجان یا ارمنستان به نفع یا علیه دیگری جهت بهره‌برداری مقامات کرملین بازخواهد گذاشت. روسیه با گنجاندن موضوع حضور و پیاده‌سازی نیروها و ادوات نظامی خود در خاک آذربایجان در توافق‌نامه آتش‌بس، به‌عنوان حافظ صلح و حائل بین منطقه قره‌باغ کوهستانی با خاک آذربایجان به مدت پنج سال و به احتمال زیاد تمدید آن و حفاظت از کریدور ترانزیتی توافق‌شده زنگزور، عملاً با ایجاد پایگاه نظامی در قلب خاک آذربایجان، در جهت توقف سیاست گسترش ناتو به شرق، به‌خصوص حوزه قفقاز جنوبی موفق عمل کرده است.

۲-۵. ترکیه

درباره دلایل بازگشت ترکیه به منطقه قفقاز جنوبی، می‌توان به تغییر در الگوی راهبردی سیاست خارجی این کشور اشاره کرد؛ به این معنی سیاست خارجی آن از تکیه صرف به حضور در اروپا به نگاه به حوزه‌های شرقی و توسعه نفوذ در شرق مدیترانه، غرب آسیا، قفقاز جنوبی و آسیای میانه به‌ویژه فضاها دارای زمینه مناسب و کشش هویتی به ترکیه مانند کشور آذربایجان چرخش یافته است. از طرفی، رفتارهای تهاجمی و تأکید بر قدرت سخت ترکیه در سیاست خارجی این کشور و حضور و تهدیدات مکرر نظامی در مناطق خارج نزدیک ترکیه، مانند سوریه، لیبی، عراق، آذربایجان و... را می‌توان به‌نوعی به کودتای ۲۰۱۶ در این کشور و افزایش بعد نظامی سیاست خارجی این کشور مربوط دانست.

بنابراین، در جنگ اخیر قره‌باغ، ترکیه در کنار آذربایجان علیه ارمنستان قرار گرفت و برای بازنمایی جنگ به صورت جنگ ارمنی - ترک و مسلمان - مسیحی تلاش کرد. ترکیه با رویکردی مبتنی بر هویت قومی و مذهبی، به صراحت به پشتیبانی تسلیحاتی، مستشاری و ارسال نیروهای نظامی نیابتی به باکو پرداخت. پس از پیروزی آذربایجان، دولت ترکیه تبلیغات وسیعی را در عرصه داخلی خود به راه انداخت، آن هم درباره پشتیبانی همه‌جانبه از یک کشور مسلمان و ترک‌زبان (جمهوری آذربایجان) در جریان بحران منطقه‌ای قره‌باغ که به پیروزی این کشور در جنگ انجامید. این مسئله علاوه بر بلندپروازی‌های منطقه‌ای، نشان‌دهنده تلاش ترکیه برای کسب حمایت افکار عمومی این کشور، ترک‌زبانان کشورهای دیگر و همچنین مسلمانان از دولت اردوغان بود؛ به خصوص پس از کاهش محبوبیت دولت وی در جریان وقایع منجر به کودتا در این کشور و همچنین حمایت‌های بی‌شائبه‌اش از انواع گروهک‌های تروریستی تکفیری داعشی در فضای سوریه و عراق. با توجه به موارد پیش گفته، اهداف سیاست خارجی ترکیه در بحران قره‌باغ که می‌تواند بر منافع و امنیت ملی ایران اثرگذار باشد، به شرح زیر است:

- تأمین امنیت خط لوله باکو - تفلیس - جیحان؛
- مطرح کردن خود به عنوان حامی اصلی کشورهای مسلمان به جای ایران و عربستان؛
- توسعه حضور در فضای آسیای میانه (در عرصه‌های مختلف) و در قالب سیاست پان‌ترکیسم؛
- ایفای نقش پررنگ‌تر در معادلات قفقاز با توسعه همکاری با جمهوری آذربایجان؛
- تشدید سیاست‌های تهاجمی نسبت به مناطق پیرامونی در قالب نوعثمانی‌گرایی؛
- توسعه ادعاهای واہی در قبال مناطق آذری نشین ایران و فشار بیشتر بر ارمنستان؛
- ایجاد و تثبیت محور موصلاتی آذربایجان - ارمنستان - نخجوان - ترکیه

(طبق توافق‌نامه آتش‌بس)؛

• امکان اتصال ترانزیتی به دریای خزر و منطقه آسیای مرکزی از طریق محور

بالا؛

• کاهش وابستگی به انرژی ایران و به تبع آن کاهش ملاحظات راهبردی

نسبت به جمهوری اسلامی؛

• استفاده احتمالی و در صورت لزوم توسعه نیروهای تروریستی - تکفیری

گسیل‌شده به قره‌باغ در جوار مرزهای شمالی ایران و در راستای منافع آبی خود

در این منطقه علیه امنیت ملی ایران؛

• ایجاد زمینه احتمالی برای فرصت مداخله مجدد در منطقه قفقاز جنوبی با

توجه به سکوت توافق‌نامه در قبال وضعیت حقوقی منطقه قره‌باغ کوهستانی.

۳-۵. دولت‌های غربی (آمریکا، اروپا):

یکی از سیاست‌های راهبردی ایالات متحده آمریکا در منطقه قفقاز بعد از فروپاشی

شوروی، حضور و نفوذ در این منطقه و خارج کردن آن از زیر نفوذ همه‌جانبه

روسیه بوده که در این راه توفیقاتی هم داشته است. دو جمهوری گرجستان و

آذربایجان مناسباتی با آمریکا برقرار کرده‌اند و در زمینه تأمین تسلیحات و اقتصاد

با آذربایجان همکاری دارند. آمریکا همواره درباره اقدامات ایران در مرزهای

ارمنستان و مناطق اشغالی ارتش این کشور در حاشیه رود ارس نگرانی‌هایی داشته

و در همین راستا نسبت به تجهیز نیروهای مرزی ارمنستان با امکانات نظارتی برای

تشدید کنترل این مناطق توسط ارامنه اقدام نموده است. در بحران ۲۰۲۰ قره‌باغ، به

علت هم‌زمانی با تشدید رقابت‌های انتخاباتی و تمرکز تلاش تیم دولت ترامپ بر

فضای داخلی، آمریکا ابتکار عمل را در صحنه رقابت‌های قفقاز به‌نوعی از دست

داد و روسیه از فرصت به‌وجودآمده برای تثبیت حضور خود در قفقاز جنوبی،

استفاده بهینه کرد.

از طرفی دیاسپورای ارمنی خارج از این کشور همه نیروهای خود را برای

ضدیت با توافق‌نامه مزبور بسیج کردند که خروجی آن شناسایی استقلال قره‌باغ

کوهستانی توسط نهادهای قانون‌گذاری کشورهای فرانسه، هلند، بلژیک و

لوکزامبورگ بوده است؛ امری که به نوعی در راستای مبارزه با انحصارطلبی روسیه در قفقاز جنوبی ارزیابی می‌شود. در همین زمینه، آمریکا حضور روسیه و صلح‌بانان این دولت را در قره‌باغ «مخل ثبات» منطقه دانسته است. به نظر می‌رسد که آمریکا و فرانسه اقدام یک‌جانبه روسیه در میانجیگری بین آذربایجان و ارمنستان را تحمل نکنند و با تحریک ملی‌گرایان ارمنی در صدد برهم زدن روند صلح باشند. با این حال، این قدرت‌های غربی برای مداخله در امور منطقه با محدودیت‌های جدی مواجه هستند و بیشتر به پرخاشگری روی آورده‌اند. تنها امید این دو دولت ایفای نقش در قالب گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا است که آن هم به تدریج فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد و با خطر انحلال روبه‌رو است (Avdaliani, 2021).

از طرف دیگر عدم توفیق در جریان بحران قره‌باغ و به‌ویژه بند ۱۰ مفاد توافق‌نامه آتش‌بس (تأسیس کریدور ترانزیتی اتصالی آذربایجان به نخجوان از خاک ارمنستان)، در راستای سیاست‌های راهبردی آمریکا در جهت کاهش وزن ژئوپلیتیکی ایران و تشدید تحریم‌های جمهوری اسلامی، بیشتر در راستای منافع آمریکا ارزیابی می‌شود. همچنین ابهام موجود در توافق‌نامه درباره وضعیت حقوقی منطقه قره‌باغ کوهستانی، زمینه اعمال نفوذ غرب در تحولات قفقاز جنوبی را برای آینده نزدیک فراهم می‌کند که هردوی این موارد در تضاد با منافع و امنیت ملی ایران محسوب می‌شود. علاوه بر این، در صورت ایجاد زیرساخت ترانزیت انرژی از کریدور آذربایجان- ارمنستان- نخجوان- ترکیه، امکان اجرای طرح انتقال گاز خزر به اروپا از این مسیر جدید توسط اتحادیه اروپا بررسی خواهد شد و طبیعتاً ملاحظات قدرت‌های برتر این قاره را نسبت به سیاست‌های انرژی روسیه در قبال اروپا (خطوط انتقال گاز روسیه به اروپا) دچار تغییرات اساسی خواهد کرد.

۴-۵. رژیم صهیونیستی:

رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر خواهان گسترش نفوذ و حضور خود در منطقه قفقاز شده و با دو کشور آذربایجان و ارمنستان روابط مطلوبی برقرار کرده است. با این حال، روابط این رژیم با جمهوری آذربایجان از چند جهت برای جمهوری

اسلامی مهم است. با تقویت روابط رژیم صهیونیستی با آذربایجان به‌ویژه در حوزه‌های نظامی و امنیتی و همچنین آثار استفاده از خدمات مستشاری و تجهیزات دفاعی این رژیم در جریان نبرد ۲۰۲۰ با ارمنستان، به‌طور قطع این رژیم خواستار تحکیم روابط و حضور و تثبیت نفوذ خود در جمهوری آذربایجان خواهد بود. در واقع، در ورای این بحران، آذربایجان به پایگاه منطقه‌ای ثابت و فعال رژیم صهیونیستی در قفقاز و حاشیه خزر برای تخاصم علیه ایران تبدیل خواهد شد.

یکی دیگر از مواضع رژیم صهیونیستی در جریان بحران قره‌باغ، همکاری با ترکیه در این زمینه بوده که فرصتی را برای این دو و به‌خصوص رژیم صهیونیستی فراهم کرده است تا به ترمیم روابط تیره‌شده سال‌های اخیر خود با ترکیه بپردازد. این رژیم همچنین سلاح‌ها و تجهیزات مدرن ساخت خود را در جنگ قره‌باغ در اختیار آذربایجان قرار داد. این امر فرصت مناسبی را برای این رژیم جهت آزمایش و بررسی‌های کمی و کیفی تجهیزات نظامی ساخت خود در تقابل یا مقایسه با سایر سلاح‌های موجود در صحنه میدانی نبرد قفقاز فراهم نموده است (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۹). سایر اهداف عمده رژیم صهیونیستی از نقش‌آفرینی در فضای ژئوپلیتیکی قفقاز و به‌ویژه بحران قره‌باغ عبارت‌اند از: سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصادی، فروش سلاح و تجهیزات نظامی به آذربایجان، تأمین انرژی خود از آذربایجان، جلوگیری از توسعه روابط کشورهای قفقاز با جمهوری اسلامی، اعمال فشار بر مرزهای شمالی ایران و ایجاد نگرانی امنیتی برای ایران.

۶. رویکردها و اقدامات جمهوری اسلامی ایران

بحران ۲۰۲۰ قره‌باغ از جهات متعدد مانند هم‌مرز بودن جمهوری اسلامی ایران با دو کشور درگیر در جنگ، وجود اشتراکات قومی، زبانی، تاریخی، فرهنگی و اقتصادی ایران با طرفین درگیر، حساسیت‌های جمهوری اسلامی نسبت به حضور و نفوذ بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بعضاً معارض با منافع آن در حاشیه مرزهای شمالی کشور، مسائل امنیتی ناشی از کشش‌های هویتی و قومی در مناطق آذری‌نشین ایران، نتایج میدانی جنگ و آثار مفاد آتش‌بس ناشی از آن و در نهایت

پیامدهای بحران قره‌باغ بر تغییرات موازنه قدرت در این منطقه، بر منافع و امنیت ملی کشور اثر گذاشته و دستگاه سیاست خارجی را به واکنش واداشته است.

از ابتدای درگیری‌های مربوط به قره‌باغ در دهه ۹۰ میلادی که تقریباً با استقلال کشورهای قفقاز جنوبی همراه بود، ایران تلاش کرد حسن نیت ویژه خود را به طرفین درگیر نشان دهد و در عین حال رابطه بسیار خوبی هم با این دو کشور برقرار نماید. ایران همیشه در بحران قره‌باغ خواسته است که این مناقشه از طریق مذاکره و گفت‌وگو در چارچوب تمامیت ارضی کشورها حل شود و وارد جزئیات نشده و علی‌رغم بدبینی طرف آذری به مواضع ایران در موارد متعدد سعی کرده است حسن نیت خود را به طرف آذری نشان دهد. حتی در جریان سفر رئیس‌جمهور وقت ایران (آقای هاشمی رفسنجانی) به آذربایجان در دهه ۷۰، رؤسای جمهور دو کشور سندی به نام «پیمان دوستی و همکاری متقابل جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان» را امضا کرده‌اند که در یکی از بندهای آن آمده است: «ایران از تمامیت ارضی آذربایجان حمایت و بر خروج نیروهای اشغالگر از خاک آذربایجان تأکید می‌کند» (منیری، ۱۳۹۶، ص ۱۰). ایران همواره با پشتیبانی از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، خواستار بازگشت طرفین به مرزهای قبل از درگیری و تخلیه مناطق اشغالی از سوی ارمنستان بوده است و در طول جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ نیز بر این موضع پافشاری نمود که نباید مرزهای سیاسی منطقه تغییر کند. این اعلام موضع جمهوری اسلامی برای حفظ جغرافیای سیاسی همسایگان در خصوص سوریه و عراق (مسئله فراندوم استقلال کردستان که ایران با آن به مخالفت برخاست) نیز صدق می‌کند (Avdaliani, 2021)؛ اما دلایلی چند، موجبات انفعال سیاست خارجی جمهوری اسلامی را در بحران قره‌باغ فراهم آورد و موجب شد که ایران به‌رغم داشتن بیشترین مرز با دو کشور درگیر، بیشترین آسیب و کمترین منافع را در این بحران داشته باشد و سایر بازیگران اصلی بحران مانند روسیه، ترکیه و رژیم صهیونیستی، با اینکه هیچ‌گونه مرزی با این کشورها نداشتند، بیشترین منافع راهبردی را از بحران مذکور به دست بیاورند. از جنبه داخلی، جمهوری اسلامی ایران نگرانی‌ها و دغدغه‌های ژئوکالچری

جدی در این خصوص دارد. جنگ در قره‌باغ، فضای سیاسی داخل ایران را همواره تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این بحران نیز تظاهرات مردمان آذری کشور در شهرهای مختلف در حمایت از تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان و سردادن شعارهای قومیتی و اگراییانه، مواضع ائمه جمعه استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان در حمایت از اقدام دولت آذربایجان در بازپس‌گیری اراضی قره‌باغ را به دنبال داشت و علما و ائمه جمعه این مناطق، آشکارا این اقدام آذربایجان را «کاملاً قانونی و شرعی» اعلام کردند. از طرفی، حمایت‌ها و کمک‌های مالی ارامنه ایران به ارمنستان و طرفداری کردهای ایرانی از این کشور در جریان بحران اخیر جنبه دیگر حساسیت‌های قومی این موضوع را برای کشور نشان می‌داد که طبیعتاً تصمیم‌گیری دستگاه سیاست خارجی کشور را در این باره با مشکل مواجه می‌کرد.

از جنبه خارجی، ملاحظات جمهوری اسلامی ایران در برابر روسیه حامی سرسخت ارمنستان در جریان جنگ اول قره‌باغ، در فردای پس از فروپاشی شوروی نیز در نوع سیاست‌های ایران در قبال دو کشور آذربایجان و ارمنستان اثرگذار بوده است. طرف آذری تا جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ همیشه موضع‌گیری ایران را به نفع ارمنستان تلقی می‌کرد و ارمنستان هم از موضع‌گیری ایران رضایت داشت. در واقع، عدم حمایت قاطع ایران از آذربایجان در بحران مذکور و در نتیجه شکست و اشغال بخشی از خاک این کشور، احساس سرخوردگی و تنهایی ژئوپلیتیکی آذربایجان را در منطقه تشدید کرد و زمینه غرب‌گرایی بیشتر و تقویت روابط در همه ابعاد با بازیگران خارج از فضای ژئوپلیتیکی قفقاز مانند ترکیه و رژیم صهیونیستی را فراهم نمود.

۷. آثار و پیامدهای آتش‌بس ۲۰۲۰ بر امنیت و منافع ملی ایران

ابعاد و زوایای بحران ۲۰۲۰ قره‌باغ بین آذربایجان و ارمنستان، مفاد توافق‌نامه آتش‌بس و تحلیل سیاست‌ها و رفتار بازیگران اصلی بحران نشان می‌دهند که ایران به‌عنوان همسایه کل منطقه قفقاز جنوبی با طولانی‌ترین مرز با دو کشور، دارای منافع غیرقابل انکار و اشتراکات اساسی در ابعاد مختلف در این منطقه و به‌نوعی

یکی از تأثیرپذیرترین بازیگران این جنگ و توافق آتش‌بس است. در واقع، اجرای این توافق‌نامه آتش‌بس می‌توانست تأثیر مستقیمی بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بگذارد. در ادامه آثار و تبعات مثبت و منفی توافق‌نامه آتش‌بس بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در ابعاد سیاسی، دفاعی-امنیتی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، به شرح زیر دسته‌بندی و ارائه می‌شود:

۱-۷. آثار و تبعات منفی

۱-۱-۷. بُعد سیاسی-امنیتی:

- یکی از مهم‌ترین چالش‌های ژئوپلیتیکی موافقت‌نامه آتش‌بس اخیر برای جمهوری اسلامی ایران، دستیابی آذربایجان به یک مسیر دسترسی به نخجوان از داخل خاک ارمنستان، در مسیر ریلی و جاده‌ای ارمنستان در حاشیه شمالی مرزهای ایران است. به واسطه این مسیر ترانزیتی، آذربایجان برای دسترسی به نخجوان و ترکیه از خاک ایران بی‌نیاز خواهد شد. این امر علاوه بر کاهش درآمدهای ترانزیتی ایران در این مسیر، می‌تواند ملاحظاتی آذربایجان را در قبال حساسیت‌های ایران در این منطقه کاهش دهد و این کشور را در پیگیری سیاست‌های راهبردی خود در حوزه‌های غرب‌گرایی، روابط با رژیم صهیونیستی و ترکیه و همچنین تبلیغات ناسیونالیسم افراطی ترکی مصمم‌تر نماید.
- قبل از جنگ اخیر قره‌باغ، جمهوری اسلامی به دلیل دارا بودن مرزهای مشترک با مناطق مورد مناقشه، امکان ایفای نقش محوری در معادلات آن را داشت و مقامات قره‌باغ نیز همواره از آن استقبال می‌کردند و ایران می‌توانست در تنظیم روابط با جمهوری آذربایجان و ارمنستان از این فرصت استفاده کند؛ اما با انتقال مناقشه قره‌باغ در شرایط جدید به عمق خاک جمهوری آذربایجان، روسیه ابتکار عمل را به دست می‌گیرد و ترکیه و رژیم صهیونیستی نیز تلاش خواهند کرد سهم خود را در این معادله تعریف کنند. در چنین شرایطی ایفای نقش و امکان بازیگری ایران در مناقشه قره‌باغ بسیار کم‌رنگ خواهد شد.
- تنگنای ژئوپلیتیکی، ضعف اقتصادی ارمنستان، سرخوردگی ناشی از

شکست در جنگ، بسته شدن توافق‌نامه تحمیلی و عدم احساس حمایت از جانب قدرت‌های منطقه‌ای، امکان گرایش بیشتر ارمنستان به سمت غرب و نفوذ گسترده کشورهای غربی به‌خصوص آمریکا را در این کشور فراهم خواهد کرد که این موضوع می‌تواند به تضعیف ارتباطات ارمنستان با ایران بینجامد.

- گروه‌های تروریستی تکفیری با هدایت رژیم صهیونیستی و ترکیه نقش مهمی در پیشروی‌های آذربایجان در مناطق قره‌باغ داشته‌اند و در صورت تثبیت و توسعه این گروه‌ها در فضای قفقاز جنوبی، امکان هدایت مجدد آن‌ها توسط ترکیه و رژیم صهیونیستی برای نقش‌آفرینی در قالب فعالیت‌های تروریستی و خرابکارانه در داخل مناطق قفقاز نسبت به عناصر کلیدی گروه‌ها و جریان‌های اصیل شیعی آذربایجان، انجام فعالیت‌های خرابکارانه علیه نیروهای مرزی و در نهایت برنامه‌ریزی برای اقدامات و حملات وسیع نظامی علیه مرزهای ایران وجود خواهد داشت.

- در مقایسه با ارمنستان، با افزایش مرزهای جمهوری اسلامی با جمهوری آذربایجان که دارای همکاری گسترده با رژیم صهیونیستی به‌عنوان دشمن و ترکیه به‌عنوان رقیب ایران است، چالش‌هایی جدید به‌ویژه در بحث حضور مستشاران نظامی و نیروهای اطلاعاتی آن‌ها در جوار مرزهای ایران به وجود می‌آید.

- ایجاد محور ترانزیتی آذربایجان-ارمنستان-نخجوان-ترکیه به دلیل نزدیکی این مسیر به مرزهای ایران فرصت‌هایی را برای رصد مناطق مرزی کشور و تهدیدات اطلاعاتی و امنیتی سرویس‌های اطلاعاتی، به‌ویژه سرویس‌های ترکیه، آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه منافع ملی ایران فراهم می‌کند.

- با حضور سرویس امنیتی روسیه در قالب نیروهای مرزبانی و حافظ صلح در محور مواصلاتی احتمالی آذربایجان به نخجوان از طریق ارمنستان، روسیه امکان کنترل و نظارت بر تبادلات ایران و ارمنستان را خواهد داشت و در صورت لزوم می‌تواند برای دسترسی ایران به ارمنستان و منطقه قفقاز محدودیت یا مانع ایجاد کند.

- طراحی فضای بازی توسط روسیه با رویکرد عدم حضور معنادار ایران در

تحولات قره‌باغ، امتیاز ندادن به ایران و وارد کردن بند ایجاد کریدور از خاک ارمنستان که به منافع ملی ایران در این منطقه آسیب خواهد زد، موجب دلسردی تدریجی ایران از روسیه و ایجاد نوعی نگاه و ذهنیت بدبینانه به این کشور در عدم همراهی با ایران در شرایط و مقاطع حساس (مانند عدم حمایت از مواضع ایران در جریان رژیم حقوقی دریای خزر، تحویل دیر هنگام سامانه «اس-۳۰۰» به ایران و در مقابل قرارداد سامانه «اس-۴۰۰» با ترکیه و...) خواهد شد که این امر قطعاً در سیاست‌های راهبردی آتی ایران در قبال روسیه در حوزه‌های تحت نفوذ ایران در غرب آسیا اثرگذار خواهد بود (کاظمی، ۱۳۹۹).

• فروکش نمودن بحران قره‌باغ با پیروزی‌های میدانی آذربایجان، موجبات افزایش رفتارهای تحریک‌آمیز گروهک‌های واگرا در مناطق آذری‌نشین کشور را فراهم می‌کند. این امور با تحریک دستگاه‌های تبلیغاتی آذربایجان و ترکیه و با تمرکز بر پیروزی اخیر آذری‌ها علیه ارمنه صورت می‌گیرد که این امر تهدیدی برای امنیت ملی ایران خواهد بود.

۲-۱-۷. بُعد اقتصادی:

• طبق توافق‌نامه آتش‌بس، ایجاد دالان ترانزیتی آذربایجان-ارمنستان-نخجوان-ترکیه می‌تواند موقعیت آذربایجان و ترکیه را به‌عنوان حلقه اتصال شرق و غرب منطقه قفقاز، دریای خزر و آسیای میانه تقویت کند و موجب تحریک چین برای سرمایه‌گذاری و هدایت مسیرهای صادرات و واردات کالا و انرژی خود از این مسیر و ایجاد راه ابریشم جدید شود. این محور با توجه به اینکه موجبات کاهش نقش و تضعیف موقعیت راهبردی و ژئواکونومیک ایران را فراهم می‌کند، قطعاً مورد استقبال غرب و به‌خصوص آمریکا خواهد بود.

• ایجاد و توسعه دالان ترانزیتی آذربایجان-ارمنستان-نخجوان-ترکیه می‌تواند زمینه همکاری‌های اقتصادی، مبادلات کالا و انرژی و مسیرهای ترانزیتی را بین این کشورها و دیگر کشورهای ذی‌نفع، بدون حضور و نقش‌آفرینی و درآمدزایی برای ایران ایجاد کند که این امر به نفع منافع ملی کشور ارزیابی نمی‌شود.

• یکی از نکات مهم در نتایج این بحران، چگونگی اداره و تقسیم منابع آبی مرزی ایران و آذربایجان است. تاکنون کنترل و بهره‌برداری منابع آبی مرزی ارس در مناطق مورد مناقشه قره‌باغ در اختیار ایران بوده است. پس از پیروزی‌های میدانی آذربایجان و دستیابی به مناطق اشغالی ساحل ارس، ادعاهای آبی این کشور درباره نحوه بهره‌برداری از منابع آبی مشترک افزایش خواهد یافت و حتی امکان درخواست غرامت آذربایجان بابت بهره‌برداری یک‌طرفه ایران از این منابع آبی وجود خواهد داشت.

• در پیامد این امر، با توجه به ارتباطات بالای اقتصادی ترکیه با کشورهای آسیای میانه، سرمایه‌گذاری‌های ترکی و غربی در کشورهای با اقتصاد ضعیف آسیای میانه، از این پس به سمت ایجاد زیرساخت‌های جاده‌ای و بندری برای تغییر مسیر ارسال کالا و انرژی به مقاصد هدف از مسیر ایران به مسیر کریدور آذربایجان-ارمنستان-نخجوان-ترکیه هدایت می‌شود که باعث از دست رفتن منافع کلان ترانزیتی کنونی و آینده ایران در این زمینه خواهد شد.

• هم‌زمان با این تحولات خبر افتتاح خط لوله انتقال گاز جمهوری آذربایجان به اروپا (تاپ)، وضعیت ایران را بدتر می‌کند. این دسترسی از وابستگی اروپا به انرژی روسیه می‌کاهد و ایران را از گردونه رقابت‌ها حذف می‌نماید. پیش از این اروپا تلاش می‌کرد با تنش‌زدایی از روابط تهران با غرب به یک تفاهم سازنده برای دسترسی به منابع انرژی ایران بازار خود را تنوع بخشد، اما اکنون جمهوری آذربایجان توانسته است با دستیابی به بازار انرژی اروپا جایگزین ایران شود و تلاش‌ها برای تنش‌زدایی ایران با غرب را از بین ببرد. این مسئله سبب انزوای ایران می‌شود و به نوعی بازار انرژی ایران مزیت خود برای غرب را از دست می‌دهد. افزون بر این سرمایه‌گذاری در منابع انرژی ایران کم‌اهمیت می‌گردد و درآمد حاصل از صادرات انرژی که یکی از منابع اصلی تأمین‌کننده اقتصاد ایران است به تدریج کاهش می‌یابد. ارمنستان نیز به‌عنوان یکی از متحدان ایران که در مناقشه هسته ایران با غرب با وجود نزدیکی به اروپا در تلاش برای رفع تحریم‌های ایران بود، به کشوری ضعیف و تقریباً محاصره شده تبدیل می‌شود و

احتمال مشارکت در پروژه انتقال گاز ایران به اروپا را از دست می‌دهد.

- در صورت دستیابی آذربایجان به دالان زمینی ارتباطی با نخجوان، این کشور علاوه بر ارتباط زمینی با ترکیه و سهولت در تبادلات کالا و انرژی با متحد خود، با ایجاد زیرساخت‌های مناسب و توسعه این محور، نقش کلیدی را در مسیر انتقال انرژی و کالا از آسیای میانه به ترکیه و اروپا و بالعکس و ایجاد راه ابریشم جدید به جای ایران به دست خواهد آورد و از این راه منافع سرشار ناشی از ترانزیت انرژی تولیدی و کالاهای مورد نیاز کشورهای محصور در خشکی حوزه خزر و آسیای میانه برای ایران از دست خواهد رفت و عاید آذربایجان خواهد شد.

۲-۷. آثار و تبعات مثبت

۲-۷-۱. بُعد سیاسی-امنیتی:

- قبل از شروع جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ، استقرار نیروهای حافظ صلح روسی در این منطقه می‌توانست تا مرزهای ایران تسری یابد که این امر منافع ایران را تهدید می‌کرد؛ اما اکنون با پیشروی ارتش جمهوری آذربایجان در حاشیه مرزهای ایران، نیروهای مرزبانی جمهوری آذربایجان بین مرزهای ایران و منطقه قره‌باغ استقرار دارند و حتی در صورت استقلال منطقه قره‌باغ و حضور دائم روسیه در آن منطقه، دیگر مرز مشترکی بین ایران و روسیه وجود نخواهد داشت.
- با پیروزی‌های میدانی آذربایجان، آسیب‌پذیری ارمنستان و چینش صحنه بازی و مفاد توافق‌نامه توسط روسیه، عملاً آمریکا و اروپا هیچ‌گونه دستاورد ملموسی را در این حوزه دریافت نکرده‌اند. با توجه به حساسیت این کشورها به تقویت نقش روسیه در این حوزه، احتمال کارشکنی غرب در روند اجرای توافق‌نامه و تحریک و تشجیع آذربایجان توسط غرب، ترکیه و رژیم صهیونیستی با وعده‌های حمایتی برای اقدام مجدد نظامی جهت پیگیری اهدافی فراتر از آزادی مناطق اشغالی جمهوری آذربایجان وجود دارد. برآیند این امور احتمال برانگیختن حساسیت‌های روسیه و ایران، تغییر مواضع کنونی این دو کشور (به‌خصوص

مواضع جانبدارانه ایران از آذربایجان)، تغییر توازن میدانی (که فعلاً به نفع آذربایجان است) و از بین رفتن دستاوردها و امتیازات میدانی آذربایجان (به‌خصوص کریدور ارتباطی با نخجوان) را به همراه دارد.

• حضور نظامی طولانی مدت روسیه در منطقه قره‌باغ و فشار مضاعف آن بر ارمنستان و آذربایجان در شرایط پس از اجرای توافق‌نامه آتش‌بس، مانع پیشروی ناتو به قفقاز و عضویت آذربایجان و ارمنستان در این سازمان خواهد شد که این امر نیز در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی ارزیابی می‌شود.

• استقرار درازمدت نیروهای حافظ صلح روسی به‌عنوان نیروی بازدارنده در محور ترانزیتی از داخل خاک ارمنستان و سیاست‌های کلان حمایتی روسیه از ارمنستان، می‌تواند زمینه تهدید تصرف نوار مرزی جمهوری اسلامی و ارمنستان توسط آذربایجان (جهت اتصال به نخجوان) با همکاری نظامی ترکیه را تقریباً برای همیشه منتفی کند.

• با توجه به سیاست دولت روسیه در قبال گروه‌های تروریستی تکفیری و حضور نیروهای حافظ صلح روسی در منطقه قره‌باغ و احتمال تقابل آن‌ها با یکدیگر، مواضع روسیه قاعداً باید پیگیری تا اخراج کامل این نیروها از منطقه قره‌باغ باشد؛ چون استمرار حضور این نیروها تهدیدی علیه نیروهای روسی خواهد بود و با تحقق این امر، خواسته ایران هم محقق خواهد شد.

• عدم اشاره به وضعیت حقوقی حضور نیروهای تکفیری در مناطق درگیری دو کشور و قید نشدن بندی مبنی بر تضمین جمهوری آذربایجان برای خارج کردن نیروهای تکفیری از مناطق درگیری و سکوت معنادار روسیه در قبال این امر، با توجه به سیاست راهبردی سرکوبگرانه فعلی روسیه در قبال این‌گونه گروه‌های تروریستی و مشروعیت بین‌المللی برخورد با این نیروها، عملاً این فضا را در آینده نزدیک برای روسیه فراهم می‌کند تا برای سرکوب این گروه‌ها در خاک آذربایجان و ارمنستان دست به اقدام نظامی (در ابعاد هوایی و زمینی) بزند. از بین رفتن این گروه‌ها در حاشیه مرزهای شمالی کشور، ولو به دست نیروهای روسی، در راستای منافع جمهوری اسلامی ایران ارزیابی می‌شود.

۲-۷. بعد اقتصادی:

• شکست‌های سنگین‌تر ارمنستان و گنجاندن بندی در توافق‌نامه آتش‌بس دربارهٔ اتصال جغرافیایی آذربایجان به ایجاد محور ترانزیتی از آذربایجان به نخجوان و در حاشیه مرزهای مشترک ایران و ارمنستان می‌توانست موجب قطع اتصال زمینی ایران و ارمنستان شود و چالش‌های مختلفی را برای ایران در پی داشته باشد؛ اما بحران مذکور و مفاد توافق‌نامه آتش‌بس به قطع مرزهای ایران و ارمنستان منجر نشده است و ایران همچنان می‌تواند ارتباطات زمینی خود را با ارمنستان حفظ کند.

• شرایط خاص جغرافیایی ارمنستان، قرار گرفتن در موضع ضعف و کاهش عمق راهبردی این کشور پس از شکست در جنگ اخیر، ضعف اقتصادی ناشی از هزینه‌های بالای جنگ و همچنین قرار گرفتن بین دو دشمن، می‌تواند موجبات وابستگی اقتصادی بیشتر این کشور به ایران و توسعه روابط راهبردی اقتصادی کشور را فراهم کند.

• آزاد شدن هفت منطقه اشغالی توسط آذربایجان در حاشیه مرزهای ایران، به معنای رهایی این مناطق از وضعیت امنیتی و حساس است و طبیعتاً با توجه به شرایط اقتصادی آذربایجان و نیاز به خدمات فنی و مهندسی، امکان دعوت از ایران برای سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌های این مناطق را فراهم آورده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بحران قره‌باغ نمونه یک بحران «منجمد» بود که دیر یا زود به علت شکست تلاش‌های صلح و از آن مهم‌تر تغییر شرایط منطقه‌ای و توازن قدرت بین آذربایجان و ارمنستان به جنگ کشیده می‌شد و سرانجام پس از سه دهه به جنگ مجدد منجر شد. پس از ایجاد درگیری‌هایی به مدت ۴۴ روز بین دو کشور در سپتامبر ۲۰۲۰، با امضای توافق‌نامه آتش‌بس در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ این جنگ به پایان رسید. این پژوهش ضمن پرداختن به ابعاد و تأثیرات بحران اخیر قره‌باغ، به‌طور خاص به تأثیر توافق آتش‌بس یادشده بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخت.

استنتاج یافته‌های مقاله نشان می‌دهد بحران قره‌باغ همانند سایر تحولات ژئوپلیتیکی در منطقه، پیامدهای متعدد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و سرزمینی بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران دارد. توافق ۲۰۲۰، موجب شده جغرافیای درگیری از مرزهای ایران دور شود و اگر جنگ بعدی ارمنستان و آذربایجان شکل گیرد، به احتمال زیاد در قره‌باغ کوهستانی اتفاق می‌افتد که این منطقه از مرزهای ایران فاصله زیادی دارد. از طرف دیگر، منافع و اهداف اقتصادی و امنیتی ایران با وجود آرامش و ثبات در مرزها تأمین می‌شود و برای مصون ماندن از تهدیدات احتمالی در منطقه مورد مناقشه باید صلح و آرامش برقرار باشد. تا قبل از توافق آتش‌بس، امکان فعالیت‌های اقتصادی ایران در سرزمین‌های اشغالی وجود نداشت. دستیابی به اراضی هم‌مرز و ارتباط مجدد مرز نسبتاً طولانی، ظرفیت‌هایی را برای گسترش شبکه ریلی ایران به قفقاز و روسیه، بهره‌برداری از سد خدا آفرین و حضور شرکت‌های خصوصی ایران در بازسازی مناطق ویران‌شده را فراهم کرده است.

ایجاد دالان زنگزور که بر اساس مفاد توافق آتش‌بس، جمهوری آذربایجان را به نخجوان متصل می‌کند مهم‌ترین عامل ژئوپلیتیکی با تأثیر منفی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی است. این دالان از یک طرف باعث کاهش وابستگی ژئوپلیتیکی آذربایجان به ایران و از طرف دیگر موجب گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی ترکیه در قفقاز و دریای خزر می‌شود و در نتیجه تهدیدات زمینی و دریایی گسترده‌ای را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به همراه دارد. این تحول در بُعد تحریکات قومی نیز بر امنیت ملی ایران آثار منفی خواهد داشت. ایجاد دالان زنگزور همچنین بر ظرفیت‌های ژئوپلیتیک انرژی ایران اثر منفی خواهد داشت و سوآپ گاز ایران به نخجوان، فروش گاز ایران به ترکیه و ارمنستان و سوآپ گاز ترکمنستان به ترکیه از مسیر ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و زمینه را برای اجرای طرح آمریکایی «ترانس خزر» فراهم می‌کند.

همچنین، مفاد توافق‌نامه آتش‌بس به حضور نظامی روسیه در قفقاز جنوبی رسمیت می‌بخشد و فرصت‌های حضور و نقش‌آفرینی روسیه در مرزهای شمال

غربی ایران را افزایش می‌دهد که همین امر، عاملی برای تهدید امنیت ملی ایران خواهد بود. علاوه بر این، کمک‌های تسلیحاتی کلان و مؤثر رژیم صهیونیستی در آزاد شدن مناطق اشغالی آذربایجان که خرسندی مقامات و برخی از مردم آذربایجان را به همراه داشت، نقش آفرینی بیشتر این رژیم در مرزهای شمال غربی ایران را موجب شده و تأثیر منفی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد.

بنابراین، پس از بررسی آثار و پیامدهای بحران اخیر قره‌باغ و آتش‌بس ناشی از آن در دو بُعد مثبت و منفی (در مؤلفه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی) برای منافع و امنیت ملی ایران، پی بردیم به اینکه جمهوری اسلامی علی‌رغم داشتن موقعیت خاص ژئوپلیتیکی، برخورداری از طولانی‌ترین مرز و ارتباطات فراوان با طرفین درگیر، به دلایل زیر آسیب‌پذیرتر از سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بحران بوده است:

- افزایش وزن ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منطقه قفقاز جنوبی در قرن بیست و یکم، در حوزه‌های انرژی و ترانزیتی و خارج شدن منطقه از انفعال راهبردی؛
- تمرکز دستگاه سیاست خارجی کشور به حل مسائل خود با حوزه‌های پیرامونی غربی و جنوبی و کم‌توجهی نسبت به تحولات و تغییرات ژئوپلیتیکی در حوزه‌های پیرامونی شمالی و شرقی و در نتیجه عدم به‌روزرسانی رفتار سیاست خارجی کشور در راستای شرایط جدید حاکم بر این حوزه‌ها؛
- تغییرات توازن قوا در این منطقه ناشی از شکوفایی اقتصادی و توانمندی نظامی آذربایجان؛

- حضور و تأثیرگذاری بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بعضاً معارض با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در تحولات قفقاز جنوبی؛
- آثار منفی فشارهای فضای اجتماعی داخلی بر تدوین سیاست خارجی کشور در قبال بحران قره‌باغ.

به‌منظور کاهش آسیب‌پذیری بحران ۲۰۲۰ قره‌باغ و استفاده از فرصت‌های بالقوه آن، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اتخاذ راهکارهای زیر امنیت و منافع خود را به شکل مناسبی تأمین کند:

• حفظ مواضع بی‌طرفانه و در عین حال ایفای نقش میانجیگری فعال برای حفظ و القای جایگاه راهبردی جمهوری اسلامی ایران به طرف‌های درگیر و بازیگران منطقه؛

• ایفای نقش سازنده در فرایند دفاعی - امنیتی دو کشور پس از بحران؛ در این راستا، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با استفاده از به‌هم‌ریختگی موجود در روابط بین کشورهای منطقه و آسیب‌پذیری دو کشور امتیازات چشمگیری دریافت کند. جنگ تجهیزات و ادوات نظامی و تأسیسات صنعتی را نابود و به اقتصاد طرف‌های درگیر ضربه وارد می‌کند. از این‌رو، جمهوری اسلامی باید با استفاده از فرصت به‌وجودآمده و مزیت همسایگی در بازسازی قره‌باغ، بازسازی ارتش ارمنستان و آذربایجان و مشارکت در طرح‌های اقتصادی این دو کشور نقش سازنده‌ای ایفا کند.

• در خصوص بند ۹ توافق‌نامه و ایجاد دالان زنگزور که یکی از مهم‌ترین تهدیدات است، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند آن را به فرصت تبدیل کند؛ به این معنی که ضمن مخالفت با ایجاد دالان زنگزور، در طرح احداث خط لوله انتقال گاز آذربایجان به نخجوان و ترکیه از خاک ایران مشارکت کند تا وابستگی جمهوری آذربایجان به خاک ایران جنبه دائمی پیدا کند.

• ارمنستان در این جنگ به شدت آسیب دیده است. احساس تنهایی این کشور در جهان و نداشتن هم‌پیمان قابل اعتماد، فرصت مناسبی در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد تا با نزدیکی به ارمنستان، در توسعه اقتصادی و نظامی این کشور مشارکت بیشتری داشته باشد.

• تحریم کالاهای صادراتی ترکیه از سوی ارمنستان فرصت بی‌نظیری برای ایران است تا با شناسایی نیازهای اقتصادی ارمنستان و در جهت تقویت اقتصاد ضعیف کشور، کالاهای باکیفیت ایرانی را جایگزین کالاهای ترک کند و ضمن تسلط بر بازار ارمنستان تولید داخلی را در شرایط تحریم تقویت نماید.

• در حوزه‌های دفاعی - امنیتی، استفاده از تجربه‌های جنگ قره‌باغ و نگاه به آینده به جهت هدایت بودجه دفاعی برای سرمایه‌گذاری بر روی سامانه‌ها و

سلاح‌های مدرن و هوشمند مانند پهپادها، سامانه‌های جنگ الکترونیک، ترکیب دقیق و هماهنگی مناسب آن‌ها با سلاح‌ها و قابلیت‌های جنگی متعارف، برای پیروزی در نبردهای آبی و تثبیت برتری نظامی در صحنه نبرد برای نیروهای مسلح کشور بسیار مهم و تعیین‌کننده است.

• با توجه به حضور نیروهای تکفیری، نیروهای صلح‌بان روسیه و ترکیه و همچنین تحرکات دامنه‌دار رژیم صهیونیستی در منطقه قره‌باغ به‌ویژه حاشیه مرزهای ایران و کریدور احتمالی زنگزور، حضور فعال و اعلام و پیگیری جدی درباره حساسیت‌های امنیتی و منافع ملی کشور به‌خصوص در مناطق و مراودات مرزی باید به‌طور مستمر دنبال شود.

• تقویت، تجهیز و توسعه سریع کمی و کیفی ساختار مرزبانی و تقویت خطوط مرزی ایران در مناطق مرزی با آذربایجان-ارمنستان-نخجوان، با توجه به نیاز تکنولوژیک روز، شرایط میدانی جدید بسیار ضروری است.

• افزایش مسیرهای مواصلاتی و ترانزیتی با جمهوری آذربایجان، به‌ویژه در مناطق تازه آزادشده مانند خدا آفرین، با این هدف که بخش‌هایی از نیازهای آذربایجان پوشش داده شود.

منابع

- اطاعت، جواد (۱۳۸۷)، ایران و خطوط انتقال انرژی حوزه خزر، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال دوم، شماره ۳، صص. ۲۲-۱.
- اسمولانسکی، اولس (۱۳۸۴)، روسیه و قفقاز، مسئله قره‌باغ کوهستانی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، (۱۵).
- امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۶)، جمهوری آذربایجان، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۴)، قره‌باغ: پیشینه تاریخی و ریشه‌های درگیری: سرزمین‌های آن سوی ارس، اطلاعات سیاسی اقتصادی، (۷۱، ۷۲).
- امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۵)، مسائل پشت پرده بحران قره‌باغ، ماهنامه ایراس، (۱۲).
- امیر احمدیان، بهرام (۹۹/۱۰/۴)، کمک به بازسازی قره‌باغ؛ فرصتی مناسب برای نمایش توان بالایی مهندسی ایران، سایت میزان، دسترسی در مهر ۱۴۰۰.
- تقوی اصل، سید عطا (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک جدید ایران از قزاقستان تا گرجستان، چ ۳، تهران: وزارت امور خارجه.
- جدیدی، علی و دیگران (۱۳۹۳)، نقش انرژی در جهت‌گیری سیاست خارجی آذربایجان، تهران: انتشارات سمت.
- حاتمی، تورج (۱۳۸۲)، برخورد منافع روسیه و آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: خورزن.
- خالقی نژاد، مریم و کاکاوندی، مینا (۹۹/۸/۱۱)، حقوق بین‌الملل و مناقشه قره‌باغ: تمامیت ارضی یا حق تعیین سرنوشت، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح: IPSC نشانی: <http://peace-ipsc.org/fa/> دسترسی در مهر ۱۴۰۰.
- صالحی، محمد (۱۳۹۳)، ژئوپلیتیک جمعیت قفقاز، مشهد: آستان قدس رضوی.
- سردارنیا، صمد (۱۳۸۴)، قره‌باغ در گذرگاه تاریخ، تبریز: انتشارات ندای شمس.
- سلطانف، ضیاء‌الدین (۱۳۸۴)، جنگ قره‌باغ، ترجمه: صمد سردارنیا، تبریز: انتشارات اختر.
- سید علی پور، سید خلیل و بیگدلو، رضا (۱۴۰۰)، تحلیلی بر پیامدهای امنیتی - انتظامی بحران ۲۰۲۰ قره‌باغ در فضای جمهوری اسلامی ایران، نمای راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۹ (۳۱۵).
- ربیعی، علی (۹۹/۷/۹) مواضع دولت ایران در خصوص بحران قره‌باغ، مندرج در سایت: <https://fararu.com/fa/news/۴۵۷۳۰۳> دسترسی در مهر ۱۴۰۰.
- عباس‌اف، علی و چاخاتریان، هاریتون (۱۳۸۳)، مناقشه قره‌باغ؛ آرمان‌ها و واقعیت‌ها، ترجمه و انتشار: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- عزتی، عزت اله (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک در قرن ۲۱، تهران: انتشارات سمت.

- کاظم‌زاده، حامد (۲۰۱۶)، نقش ایران در روند صلح مناقشه قره‌باغ کوهستانی بعد از درگیرهای ماه آوریل ۲۰۱۶، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، آدرس: IPSC <http://peace-ipsc.org/fa/> دسترسی در مهر ۱۴۰۰.
- کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹)، *ایران و همسایگان، منابع تنش و تهدید، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت‌معلم.*
- کریمی پور، یدالله (۱۳۹۴)، *جغرافیا، نخست در خدمت صلح، تهران: نشر انتخاب.*
- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۹)، *تحولات سیاسی جمهوری ارمنستان، تحولات قره‌باغ پس از آتش‌بس، بی‌جا.*
- کولایی، الهه (۱۳۸۵)، *سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، تهران: وزارت امور خارجه.*
- مرادی، آیت‌الله (۱۳۹۰)، *جایگاه ایران در راهبرد گازی جمهوری آذربایجان، سایت www.iras.ir دسترسی در مهر ۱۴۰۰.*
- نورانی درآباد، قهرمان (۹۹/۱۰/۱۰)، *آیا مناقشه قره‌باغ پایان یافته است؟ کد: ۱۹۹۸۵۱۹ سایت دیپلماسی ایرانی: <http://www.irdiplomacy.ir/1998519> دسترسی در مهر ۱۴۰۰.*
- Avdaliani, E. (2021). *Iran in the South Caucasus: Adjustment and Evolution.* available at: <https://rusi.org>. February 26
- Agency, Anadolu (November 10, 2020). "Euphoric Azerbaijanis celebrate 'victorious' Nagorno-Karabakh peace deal". *Daily Sabah.*
- Cohen, S.B. (1994). *geopolitics in the new world era. chapter 2 from reordering the world.* edited by: George.j.demko and William b.wood.usa:westview press.
- Duncan, R. & others. (2004). *Word Politics in the 21st Century.* New York: Pearson Education
- Kemp, G. (1997). *Energy Superbowl: Strategic Politics and the Persian Gulf and Caspian Basin.* Washington D.C: Nixon Center for peace and Freedom
- Kleveman. L. (2004). *The New Great Game: Blood and oil in Central Asia.* London: Atlantic Books.
- Kramer, Andrew E. (November 10, 2020). "Facing Military Debacle, Armenia Accepts a Deal in Nagorno-Karabakh War" – via [NYTimes.com](https://www.nytimes.com).
- Marks, Robert. J. (2020), *The First War Using Modern AI-Based Weapons Is Here,* Published; <https://mindmatters.ai/2020/10>.
- woodward, Rachel. (2017), *Military Geography, The International Encyclopedia of Geography,* John Wiley & Sons, Ltd. Published 2017 by John Wiley & Sons, Ltd.